

## برگ گل هم بندمی زنیم!



که چیزی نبود جز تسمه فلزی و چسب و مته، تکه‌های شکسته بار دیگر کنار هم قرار گیرد و باعث خوشحالی خانم خانه شود. آنها پس از ترمیم هر یک از ظروف به ازای دستمزد آن مقداری گردو، بادام، گندم یا پول دریافت می‌کردند. چینی بندزن‌ها در محل‌های خاصی برای مدت معینی اقامت می‌کردند تا کارشان را انجام دهند. کمان، قیف برنجی، الماس صنعتی، تکه چوب نازک از جنس درخت بید، نخ لحاف‌دوزی، مفتول و سندان از دیگر ابزارهای کار چینی‌بندزن‌ها بود.

می‌گوید: «چینی‌بندزنی یکی از مشاغل نوستالژیک و فراموش شده تهران است. این حرفه در روزگاری که وقتی چیزی می‌شکست و خراب می‌شد به جای دور انداختن آن را تعمیر می‌کردند، حساسی پر طرفدار بود. قدیم‌ها معمولاً ظروف پرکاربرد مانند کاسه، بشقاب و قوری از جنس چینی بود که به ضربه‌ای ترک می‌خورد یا می‌شکست. خانم‌های باسلیقه در طول سال تکه‌های شکسته چینی را تا زمان آمدن چینی‌بندزن نگه می‌داشتند بلکه به کمک ابزار ویژه صاحبان این شغل

■ شغل: چینی‌بندزنی  
■ ویژگی: تعمیر و وصل کردن قطعات چینی شکسته

چینی‌بندزن‌های دوره‌گرد پایتخت با صدای بلند در کوچه‌ها می‌خواندند: «چینی‌بندزن اومده... برگ گل هم بند می‌زنم!» خانم‌های خانه با شنیدن شاعرانگی همین جمله آخر هر چه کاسه و بشقاب شکسته و ترک‌خورده کنج انباری و صندوقخانه داشتند جمع می‌کردند و راهی کوچه می‌شدند. علیرضا زمانی، تهران‌پژوه در این باره

## نعل و میخ و پالان ابزار یک شغل پر درآمد



■ شغل: نعل‌بندی، پالان‌دوزی  
■ ویژگی: نعل برای چهارپا و پالان برای حفظ بار و مسافر ضروری بود

مثل معروف «یکی به نعل می‌زند و یکی به میخ» را شاید زیاد شنیده باشید. این مثل با خودش حکایتی از حرفه نعل‌بندان دارد که روزگاری برای کسب رزق و روزی به نعل و میخ می‌زدند.

اردشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه می‌گوید: «تا پیش از باز شدن پای اتومبیل به خیابان‌های تهران، خدمات حمل‌ونقل به اهالی پایتخت‌نشین بر گرده چهارپایان بود.»

نعل برای چهارپای زبان‌بسته که همراه صاحبش کل شهر را گز می‌کرد و بی‌گلابه و شکایت بارهای سنگین می‌برد، حکم لاستیک برای ماشین را داشت. بنا به تعریف ریش‌سفیدان تهران، با وجود اینکه نعل‌بندی از مشاغل پر مشغرتی و پردرآمد بود، اما بیشتر شغلی پیرمردی محسوب می‌شد و جوان‌ها علاقه چندانی به دنبال کردن این حرفه نداشتند. به گفته آل عوض بازار چه «عباس هرنی»، انتهای بازار چهارسوق که به یک سه‌راهی ختم می‌شد تا حوالی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) از راسته‌های معروف نعل‌بندان تهران قدیم بود.

این محقق ادامه می‌دهد: «پالان‌دوزی هم از مشاغل هم‌خانواده نعل‌بندی محسوب می‌شد، چرا که در گذشته رفع و رجوع امور خانه و محل کسب‌وکار بدون چهارپا میسر نبود و قرار گرفتن اشیا و افراد هم روی چهارپا مستلزم داشتن پالان بود. بر این اساس، نوع و کیفیت پارچه و مواد اولیه ساخت یک پالان بسیار مهم بود.»

هر پالان‌دوزی که این اصل را در کنار مشتری مداری رعایت می‌کرد قطعاً آوازه و شهرتی میان مردم نصیبش می‌شد. این حرفه هم مانند نعل‌بندی پر مشغرتی بود.

جعفر شهری در کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم/ زندگی، کسب‌وکار» به تعداد ۲۱ مغازه پالان‌دوزی در بازار تهران اشاره می‌کند.

## یخ دارم! یخ بلوری دارم...



سهم ثروتمندان. در تهران قدیم معبر الممالک، حاجی باقر، حاجی آقامحمد، وزیر حاجی علی‌اکبر، حاجی شیخ‌رضا، حاج آقا رضا فرزانه، حاجی رجب تختی (پدر جهان‌پهلوان غلامرضا تختی) و حاج حسن شمشیری از معروف‌ترین یخچال‌داران بودند تا اینکه در دهه ۴۰ نخستین کارخانه یخ‌های قالبی در حوالی سه‌راه جمهوری امروزی راه‌اندازی شد. این یخ‌ها سالم‌تر و تمیزتر از یخچال‌های طبیعی بودند و از طرفی یخ‌فروش‌های دوره‌گرد هم کسب‌وکارشان ارتقا پیدا کرد و هر کدام صاحب دکه یخ‌فروشی در سر چهارراه‌ها شدند. با راه‌اندازی کارخانه مدرن یخ‌سازی عده‌ای هم با خودرو هر روز صبح یخ‌های آماده را با گونی‌های کتفی می‌پوشاندند و برای فروش به دکه‌داران منتقل می‌کردند. کسب‌وکار دکه‌های یخ‌فروشی تقریباً تا دهه ۷۰ لدر تهران رونق داشت تا اینکه در همان سال‌ها با دستور شهرداری جمع‌آوری شدند.

فروشندگان دوره‌گرد برای خودش مسیر جالب و پرمجاری داشت. یخچال‌ها چیزی شبیه به آب‌انبار بودند در عمق ۱۵ متری زمین. در همسایگی این یخچال‌ها، انباری تعبیه می‌شد که محوطه بزرگی داشت و کارگران تکه‌های یخ را در آنجا می‌ریختند. یک دیوار گلی ۶ متری هم دور این محوطه می‌چیدند که روی سقف آن طاق ضربی و کاهگلی سایه می‌انداخت تا آفتاب داغ تابستان یخ‌ها را آب نکند. آخر زمستان که انبار یخچال پر از یخ می‌شد، با کاهگل روی یخ‌ها را برای استفاده در تابستان می‌پوشاندند. فصل گرما که از راه می‌رسید، فروشندگان دوره‌گرد راهی این یخچال‌ها می‌شدند و پس از خرید، یخ را بار چهارپایان می‌کردند. کاظمی ادامه می‌دهد: «این یخ‌ها دو نوع بودند؛ یکسری یخ‌های معمولی با قیمت ارزان‌تر که بیشتر فقرا و افراد معمولی خریداری می‌کردند و نوع دوم، یخ تمیزی بود معروف به یخ بلوری که گران‌تر بود و

■ شغل: یخ‌فروشی سیار  
■ ویژگی: یکی از کاربردی‌ترین اقلام هر خانه برای رفع تشنگی و پذیرایی از مهمانان به‌ویژه در تابستان یخ بود

«یخ دارم! یخ بلوری دارم...» این گزاره آهنگین را اغلب یخ‌فروش‌های دوره‌گرد تهران قدیم در روزهای گرم سال، وقتی کوچه‌پس‌کوچه‌های خاکی تهران را گز می‌کردند، فریاد می‌زدند. مهرشاد کاظمی، در این باره می‌گوید: «یخ‌فروشی در روزگاری که هنوز خیری از یخچال‌های غول‌پیکر صنعتی یا کوچک خانگی نبود، هم شغل بود و هم خدمت به خلق خدا حساب می‌شد. در آن روزها، برای خوردن یک جرعه آب خنک و گوارا، از اهمل‌خانه گرفته تا خود یخ‌فروش، باید راه پر مشقتی را طی می‌کردند. فروشندگان دوره‌گرد یخ را از یخچال‌ها، جایی که به‌طور طبیعی یخ‌ها در آن بسته می‌شد، تهیه می‌کردند. البته آماده‌شدن یخ و رسیدن به‌دست